

بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر باروری زنان و نقش توسعه ای آن در مناطق شهرستان گرمی در استان اردبیل

دکتر صمد کلانتری^۱، دکتر سید احمد خاتون آبادی^۲، سعید اسدالهی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر باروری در مناطق روستایی شهرستان گرمی در استان اردبیل می پردازد. نتایج به دست آمده نشان دهنده وجود رابطه بین باروری و عوامل گوناگونی مانند سن زن، تعداد کودکان مرده زیر ۵ سال در خانواده، میزان اهمیت اقتصادی کار کودکان برای خانواده ها، عدم اشتغال زنان (خانه داری)، اختلاف سن زن و شوهر (با رابطه مثبت) و سن زن در اولین ازدواج، سطح سواد زن و مرد، سن زن در اولین زایمان، میانگین فواصل زایمان و سابقه داشتن تلویزیون (با رابطه منفی) می باشد. تحقیق حاضر بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می کند که موضوعاتی از قبیل:

نظارت بر قانون حداقل تحصیل اجباری برای کودکان، قانون منع کار اجباری کودکان، ایجاد زمینه های اشتغال بیشتر برای زنان، ایجاد تنوع در منابع درآمدی روستاییان، تلاش در جهت خارج کردن کشاورزی و به خصوص دامداری از حالت سنتی برای کاستن از نیاز خانواده به نیروی کار کودکان، فعال شدن سازمان های غیردولتی و مردمی در ارتباط با مسایل جمعیتی و اطلاع رسانی صحیح در باره پیامدهای رشد فزاینده جمعیت، در برنامه ریزی های جمعیتی و توسعه ای مورد توجه قرار گیرند.

واژگان کلیدی

باروری، عوامل اجتماعی - اقتصادی، سیاست جمعیتی، شهرستان گرمی

۱- دانشیار دانشگاه اصفهان

۲- استادیار دانشگاه صنعتی اصفهان

۳- کارشناس ارشد توسعه روستایی

مقدمه

مسئله افزایش روز افزون و بی رویه جمعیت در کشورهای در حال توسعه و نتایج و عواقب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی آن که پیش درآمد آثار آن از هم اکنون نمایان است، بدون شک بزرگترین و در عین حال بحرانی ترین مشکل انسان عصر ما به شمار می آید. عظمت وخامت این معضل، هنگامی بهتر روشن می گردد که مساله را تنها در چارچوب مسائل کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه و امکانات محدود آنها برای توسعه، همچنین مقایسه موقعیت و فرصت های فعلی و آینده آنها در سطوح ملی و بین المللی مطرح کنیم. بنابراین با توجه به موقعیت و مسائل کنونی این کشورها که ایران هم یکی از آن کشورهاست: مثل فقر و بیکاری، مهاجرت از روستا به شهر، شهرنشینی و مرکزگرایی و عواقب ناخوشایند آن، کمبود امکانات سرمایه گذاری برای توسعه و نیازهای روزافزون جمعیت در حال رشد، تخریب بیش از پیش منابع طبیعی و حراج ثروت های ملی به منظور تأمین نیازهای مصرفی روزمره، مطالعات مربوط به جمعیت و به تبع آن مطالعات مرتبط با باروری به علت نقشی که در رشد جمعیت دارد می تواند به عنوان یکی از مهمترین نوع بررسی ها در حیطه مطالعات مربوط به توسعه در شرایط کنونی قلمداد شود.

فرضیات تحقیق

۱. بین میزان و نوع منبع درآمد خانواده و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان سواد شوهران و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه منفی وجود دارد.
۳. بین میزان سواد شوهران و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه منفی وجود دارد.
۴. نوع شغل زنان بر تعداد کودکانی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند تأثیر دارد.
۵. بین مرگ و میر کودکان و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه مثبت وجود دارد.

۶. بین سن ازدواج زن و شوهر و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه منفی وجود دارد.
۷. بین سن مادران در اولین زایمان و تعداد بچه هایی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند رابطه منفی وجود دارد.
۸. بین میانگین فواصل زایمان: سال و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه منفی وجود دارد.
۹. بین سن زنان در موقع مطالعه و تعداد بچه هایی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند رابطه مثبت وجود دارد.
۱۰. بین میزان اهمیت کار کودکان ۱۴-۶ ساله در اقتصاد خانواده و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه مثبت وجود دارد.
۱۱. بین امکان دسترسی به مرکز بهداشت و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند رابطه منفی وجود دارد.
۱۲. بین میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و تعداد کودکان به دنیا آمده و در سنین باروری زنان رابطه منفی وجود دارد.

جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، تمام خانواده های روستایی شهرستان گرمی است با شرط وجود حداقل یک زن ازدواج کرده در فاصله سنی ۴۹-۱۵ سال دارای شوهر و با یک فرزند زنده به دنیا آورده در آن خانواده ها با توجه به آمارهای رسمی، شمار زنان روستایی دارای همسر و در فاصله سنی ۴۹-۱۵ سال شهرستان گرمی حدود ۱۰۰۰۰ خانوار در سال ۱۳۸۰ برآورد شده است.

حجم نمونه

برای تعیین نمونه های مورد مطالعه از فرمول کوکران (COCHRAN) استفاده شده است.

مطابق فرمول ۲۰۰ نمونه یا خانواده برای مطالعه انتخاب شدند که برای اطمینان بیشتر ۳۳۵ خانوار مورد مصاحبه قرار گرفته و انتخاب نمونه ها به روش نمونه گیری طبقه - تصادفی وزنی انجام گرفت.

متغیرهای تحقیق

الف) متغیرهای وابسته

متغیر وابسته ای که در این بررسی مورد نظر بوده است تعداد بچه های زنده به دنیا آمده برای هر زن (میزان باروری کل) می باشد که در سه سطح یا گروه مورد توجه قرار گرفت.

۱. تعداد کودکان زنده به دنیا آمده برای تمام زنان مورد مطالعه واقع در فاصله سنی ۴۹-۱۵ ساله

۲. تعداد کودکان زنده به دنیا آمده به ازای هر زن در گروه سنی ۴۹-۳۵ ساله

۳. تعداد بچه های زنده به دنیا آمده به ازای هر زن در گروه سنی ۳۵ سال و کمتر

ب) متغیرهای مستقل

۱. سن زن در زمان مورد مطالعه

۲. سن ازدواج مرد و زن

۳. سن زن در اولین زایمان یا بچه آوری

۴. میانگین فاصله بچه آوری یا زایمان زنده

۵. تفاوت سنی زن و شوهر

۶. نسبت فامیلی زن و شوهر

۷. تعداد فرزندان مرده زیر یک و ۵ سال در خانواده

۸. تعداد ساعات کار زنان در روز

۹. نوع شغل زن

۱۰. اهمیت اقتصادی کار کودکان ۱۴-۶ ساله برای خانواده ها
۱۱. تعداد افرادی که با خانواده زندگی می کنند متغیری است فاصله ای که وارد مدل نکرده ایم. اما در جداول دو بعدی مورد استفاده قرار گرفته است.

عوامل مؤثر بر باروری

در بحث از عوامل باروری، جمعیت شناسان و صاحب نظران مسایل جمعیتی، آنها را به اشکال مختلف طبقه بندی کرده اند: برخی از آنها، آن را به عوامل ارادی و غیرارادی تقسیم نموده اند، بعضی آنها را به عوامل تغییرات ساختاری^۱ و فعالیت های تنظیم خانواده نسبت می دهند. (۱) عوامل تعیین کننده باروری برای انسان، شامل همه عوامل زیست شناسی، جمعیت شناسی و اجتماعی باروری، از لحاظ کنترل جمعیت جهان در درجه اول اهمیت قرار می گیرند. (۲) در جمع بندی از آرای مطرح شده در خصوص عوامل باروری، آنها را می توان در پنج رده به شرح زیر طبقه بندی کرد. (۳)

۱- عوامل جمعیتی

در این گروه می توان عوامل زیر را نام برد، میزان های مرگ و میر، نرخ مجرد قطعی (عمومیت ازدواج)، نسبت جنسی، ساختار سنی جمعیت، نرخ مهاجرت، سن زن در زمان بررسی، سن ازدواج، نرخ بیوگی، فاصله ازدواج تا حاملگی، فاصله بین مولید، نرخ ازدواج، نرخ طلاق و وضع زناشویی، طول دوره ازدواج و زندگی مشترک، تصمیم زوج ها در مورد فرزندان، تصمیم زوج ها در مورد تولید نخستین نوزاد.

۲- عوامل فرهنگی

از جمله این عوامل می توان به همسرگزینی و رسوم مربوط به زناشویی، ازدواج های زودرس،^۲ طول دوره شیردهی،^۲ آداب، رسوم و سنت های اجتماعی، جایگاه زن در جامعه، استقلال زنان و تأثیر مذهب و ادیان، نظام خانواده و خویشاوندی اشاره کرد.

1 - Structural

2 - Early marriage

3 - Breast Feeding

۳- عوامل اجتماعی

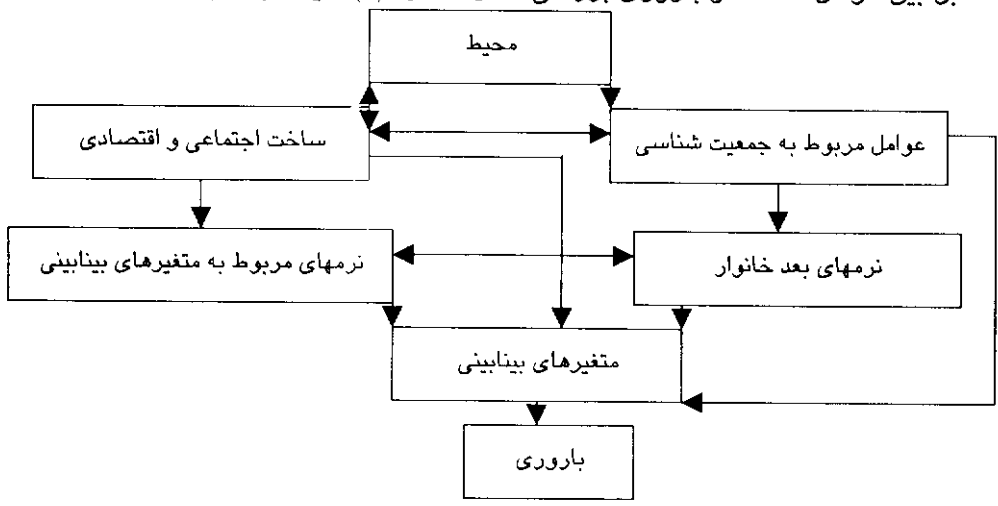
در این گروه می توان به موارد زیر اشاره کرد: سطح تحصیلات زن، سطح تحصیلات مرد، ادامه تحصیل جوانان، محل تولد (شهر و روستا) وجود سیاست ها و برنامه های تنظیم خانواده، در دسترس بودن وسایل پیشگیری از باروری، پذیرش برنامه ها توسط خانواده ها، میزان استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری، طبقه و قشر اجتماعی، سطح سواد و آگاهی مردم، رسانه های جمعی و گروهی، ارزش های اجتماعی مثل ارزش های اجتماعی حاکم بر جامعه در مورد تعداد فرزندان، تعداد فرزندان نکور، سقط جنین، شهرنشینی و مدرنیزاسیون و...

۴- عوامل اقتصادی

از جمله این عوامل می توان به درآمد مرد، زن، اشتغال زن مخصوصاً در خارج از خانه، مسکن، شیوه تولید و بهره برداری، فقر و پایین بودن سطح استانداردهای زندگی، بالا بودن هزینه فرصت و آموزش کودکان.

۵- عوامل محیطی، جغرافیایی و فیزیولوژیکی

سن بلوغ جسمانی، سن یائسگی، نازایی (طبیعی و نازایی عارضی و طبی)، ضعف باروری، بیماری، مرگ سرزا، مرده زایی و عوامل اقلیمی و نژادی (۴) برای درک بهتر روابط متقابل بین عوامل مختلف و باروری بررسی شکل شماره (۱) مفید خواهد بود.



شکل ۱: منبع: باروری و جمعیت، ترجمه زهرا پورانصاری و علی ناصری (۱۳۶۸)

مطابق این شکل شش دسته عوامل مربوط به هم بر باروری تأثیر می گذارند. این عوامل به صورت زیر طبقه بندی می شوند. (۵)

الف) متغیرهای بینابینی: شامل محدودیت های دوره تولید مثل و فاصله بین موالید است. نرمهای مؤثر بر متغیرهای بینابینی مختلف عمیقاً از ساخت اجتماعی و اقتصادی یک جامعه الهام می گیرند، به آن کمک می رسانند و به نوبه خود نیز از حمایت آن برخوردار می شوند.

۱. متغیرهای بینابینی که بر حدود دوره تولید مثل تأثیر می گذارند مثل سن بلوغ، سن شروع پیوند جنسی، الگوهای زناشویی، مجرد دایم (نسبت زنانی که هرگز اقدام به پیوند زناشویی نمی کنند) نازایی، سن زنان در زمان یاشگی (نازایی نهایی) و مرگ و میر زنان.

۲. متغیرهای بینابینی که بر فاصله بین تولدهای متوالی اثر می گذارند از جمله این عوامل می توان به قابلیت باروری (قابلیت ذاتی فیزیولوژیکی مرد وزن، فراوانی و زمان نزدیکی و کاربرد و کارآیی وسایل پیشگیری) و عوامل مؤثر در کاهش دوره تولید مثل مانند تلفات حاملگی (از بین رفتن جنین به هر علتی قبل از فرارسیدن زمان قابلیت حیات و به عبارتی سقط جنین به هر علتی) طول دوره حاملگی، دوره موقت، عدم استعداد حامله شدن پس از زایمان و زمانی که بدون داشتن پیوند جنسی تلف می شود. (۷)

ب) نرمهای مربوط به بعد خانوار: نرمها را می توان به عنوان الگوی های متداول و رفتاری یا قوانینی که رفتار مناسب را از نامناسب متمایز می کنند، تعریف کرد. هر اجتماعی در مورد بعد خانوار دارای نرم خاص خود است. نرمهای حاکم بر بعد خانوار در یک جامعه نشان دهنده تعداد فرزندان است که یک زوج می بایستی داشته باشند، یا تعداد فرزندان که داشتن آن از نظر اجتماع مناسب تلقی می شود. باید در نظر داشت که همواره فشارهای شدید گروهی برای داشتن فرزند به افراد جامعه وارد می شود و تنها اخیراً و به تازگی است که بعضی از جوامع به زنی که دارای فرزند نباشد بدون اهانت کامل می نگرند. همچنین اگر مردانی دارای فرزند نباشند این مسئله از دید جامعه به حساب عدم مردانگی آنها گذاشته می شود.

به طور کلی تعداد واقعی فرزندان از نظر اجتماعی مشخص نیست و نرم حاکم بر جامعه معمولاً به گونه ای عام و شرایطی کلی بیان می شود که دامنه آن از حداقل دو فرزند تا حداکثر هر تعداد ممکن تغییر می کند با این وصف که تمایل به داشتن حداقل یک فرزند پسر خواه صریحاً ابراز شود یا به طور ضمنی، در جامعه وجود دارد. یکی از نشانه های اختلاف میان جوامع در خصوص نرمهایی که به بعد خانوار مربوط می شود همان داده هایی است که بر مبنای گزارش بعد یک خانوار دلخواه در یک جامعه، می توان ارزیابی کرد. بعد دلخواه یک خانوار در کشورهای پیشرفته به طور متوسط بین $2/2$ تا $3/1$ فرزند می باشد. در حالی که در کشورهای در حال توسعه بین $3/8$ تا $5/5$ است.

پ) نرمهای مربوط به متغیرهای بینابینی: به نظر می رسد که بعضی از جوامع در مورد بعضی از عوامل بینابینی دارای نرم نیست. برای مثال ممکن است هیچ گونه نرمی در باره کاربرد وسایل پیشگیری یا نازایی در جامعه وجود نداشته باشد زیرا آگاهی از این نوع روش های کنترل در آن جامعه خاص وجود ندارد. با این حال هر جامعه ای به لحاظ جنبه های گوناگون رفتار جنسی دارای نرمهایی است به طوری که به نظر می رسد تا به حال هیچ جامعه ای وجود نداشته است که در آن فرزند زایی منحصرأ به دور از یک پیوند جنسی نسبتاً دائمی اتفاق افتد.

ت) عوامل مربوط به جمعیت شناسی: مانند نرخ های مرگ و میر، عدم تعادل در نسبت

جنسی و ترکیب سنی جمعیت

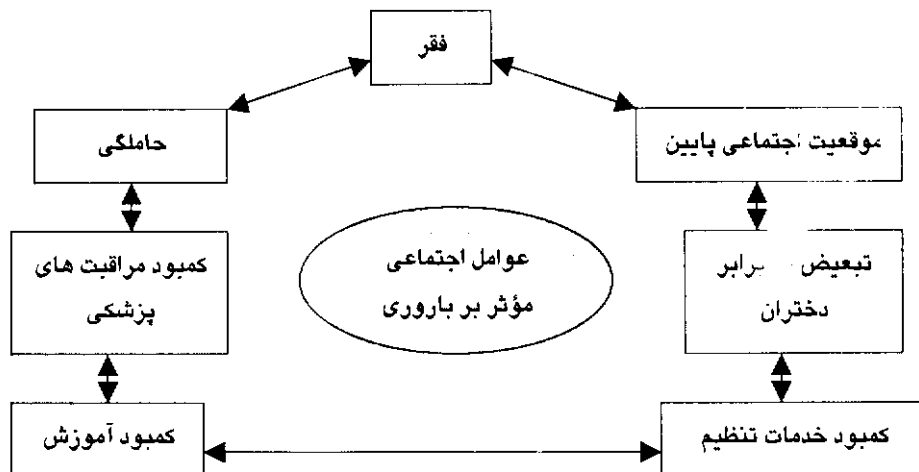
ج) ساخت اجتماعی و اقتصادی: مانند مذهب، تحول اقتصادی و اجتماعی، ارزش ها، تقسیم کار و سازمان اقتصادی برای به حداکثر رساندن تولید در جوامع صنعتی و کشاورزی. نرمهای مربوط به بعد خانوار و متغیرهای بینابینی خود تحت تأثیر برخی ویژگی های اساسی هر اجتماع قرار دارند. این مسئله در شکل ۱ به وضوح مشخص شده است. ساخت های اقتصادی معین، سطوح مشخصی از تولید مثل را ایجاب می کند. در اجتماعات کشاورزی که نیروی انسانی اساس آن را تشکیل می دهد، ارزش تعداد فرزندان امری کاملاً آشکار است. در فصول کاشت و برداشت هر جفت بازویی به کار می آید حتی نوباوگان نیز می توانند در افزایش نیروی کار موجود نقش مهمی ایفا کنند. در اجتماعات کشاورزی، خانواده واحد اصلی تولید اقتصادی محسوب می شود، هرچه خانواده ای بزرگتر

باشد (حداقل تا حد معینی) تولید نیز بیشتر خواهد بود. اگر داشتن فرزند، خانواده ها را در اجرای وظایف خیر اجتماعی و اقتصادی یاری می دهد پس نرمهای مربوط به بعد خانوار، تقریباً همان تعدادی است که بالاترین سود خالص را عرضه کند. در جریان مکانیزه شدن تولید و صنعتی شدن اجتماع، نیاز به نیروی انسانی نیز رو به کاهش می گذارد.

با عنایت به این که زمین به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمدی روستاییان مطرح است صاحب نظران سعی کرده اند رابطه ای بین باروری و میزان زمین تحت تملک خانواده پیدا کنند اما نظریه های متناقضی در مورد رابطه علی میان مقدار زمینی که خانوار بر روی آن کار می کند یا مالک آن است و تعداد فرزندان خانوار وجود دارد. میزان زیاد زاد و ولد نه تنها ممکن است میزان نیاز خانوار را افزایش دهد بلکه مهمتر آن که ممکن است به عنوان راهی تلقی گردد که از طریق آن خانوار می تواند توان خود برای سرمایه اندوزی را از طریق تأمین نیروی کار مزرعه افزایش دهد که این امر به عنوان فرضیه زمین - نیروی کار شناخته شده است. وقتی که کشاورزی کاربر می شود و دسترسی به بازارها آسان است، خانوارهایی که زمین های زیادی را به زیر کشت می برند، از طریق تأمین نیروی کار خانوادگی، سود می برند. گسترش یا کاهش نواحی زراعی به تغییرات ایجاد شده در نیروی کار زراعی خانوادگی ارتباط داده شده است. یکی از بررسی هایی که درباره روستاهای بنگلادش انجام شده است، نشان داد که برای هر عضو ذکوری که به خانوار اضافه می شود ۰/۶ آکر زمین اضافی اجاره می گردد. یک خانواده بزرگ اغلب، مایه امنیت خاطر در سنین سالخوردگی تلقی می شود. اما همچنین ممکن است به مثابه ابزاری برای حفظ اسناد مالکیت زمین ها یا در مورد نواحی زوال یافته، به عنوان ابزاری برای دسترسی به زمین های قابل استفاده بهتر عمل کند. (۸)

همان طور که قبلاً نیز ذکر شد فقر یکی از عوامل مؤثر در باروری است که معمولاً با نرخ باروری بالا همخوانی دارد. بعضی از محققان در تلاش برای کشف نقش فرزندان در نظام تولید خانوار و راهبردهای معیشت، داشتن فرزند زیاد را به عنوان یکی از چند راه حل خانوار برای فائق آمدن بر فقر تلقی می کنند (۱۴) در رابطه با ارتباط فقر و تعداد بچه در خانواده خوزه دوکاسترو در کتاب جغرافیای سیاه گرسنگی به ارائه تئوری جبران در باروری و افزایش جمعیت می پردازد و می گوید که گرایش به زاد و ولد بیشتر در میان فقرا

عمدتاً یک انگیزه روانی برای جبران کمبودها و گرسنگی است. برای توصیف بهتر رابطه این دو، نمایی از دور و تسلسل فقر و باروری را در شکل ۲ می آوریم.



شکل ۲: منبع: شیخی، م، ۱۳۷۳ جامعه شناسی جمعیت و تنظیم خانواده

لازم به یادآوری است که براساس مطالعات انجام شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰، ۱۵ درصد از جمعیت کشور در فقر مطلق به سر می برند به عبارتی بهتر ۱۴/۶ درصد از جمعیت شهری و ۱۶/۶ درصد از جمعیت روستایی کشور در فقر مطلق هستند. با تعیین ۱۳۲ هزار تومان سرآمد در ماه برای ساکنین شهرها و ۸۳/۵ هزار تومان در ماه برای ساکنین روستاها به عنوان خط فقر نسبی (کم درآمد)، ۲۵ درصد جمعیت کشور جزء فقرا کم درآمد می باشند با احتساب مجموع فقرا نسبی و مطلق. ۴۰ درصد مردم کشور فقیر هستند. (۱۶)

د) محیط: مانند رابطه خطرات محیطی با مرحله تکامل، اثرات احتمالی فیزیولوژیکی در رابطه با شرایط اقلیمی (ارتفاع زیاد و حداقل و حداکثر درجه حرارت) و شرایط برای تطبیق اجتماعی و اقتصادی (نواحی کوهستانی در مقابل نواحی مسطح، مناطق قطبی در مقابل مناطق گرمسیری)

انیمون فرضیه ها

بین دغیره ای مستقل و متغیر وابسته (باروری) رابطه وجود ندارد: H0

بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (باروری) رابطه وجود دارد: $H1$

فرضیه ۱) بین میزان و نوع منبع درآمد خانواده و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه وجود دارد.

الف) نوع منبع درآمد: با توجه به این که بین نوع منبع درآمد اول و دوم خانواده و تعداد بچه به دنیا آمده، در مدل های رگرسیونی رابطه معنی داری در سطح ۰/۰۱، ۰/۰۵، ۰/۱ مشاهده نشده است لذا فرض $H1$ رد و فرض $H0$ یعنی عدم وجود رابطه بین نوع منبع درآمد خانواده و باروری با اطمینان ۹۰ درصد تایید می گردد. اما در این مورد جانب احتیاط را باید رعایت کرد. زیرا میزان اهمیت کار کودکان یکی از متغیرهایی است که در همه مدل ها بدون استثناء به صورت معنی دار وارد شده اند و همان طور که قبلاً مشاهده شد بین نوع منبع درآمد خانوار و میزان اهمیت کار کودکان رابطه معنی دار مشاهده شده است و این رابطه در سطح ۰/۰۱ معنی دار می باشد. احتمالاً نقش نوع منبع درآمد خانوار در باروری به صورت میزان اهمیت کار کودکان ظاهر شده است.

ب) سطح درآمد: نبود رابطه معنی دار در سطوح ۰/۰۱، ۰/۰۵، ۰/۱ بین سطح درآمد خانواده و تعداد بچه های به دنیا آمده، در مدل های رگرسیونی نشان دهنده رد فرضیه ($H1$) می باشد و فرض $H0$ مبنی بر عدم وجود رابطه بین سطح درآمد و تعداد بچه به دنیا آمده برای هر زن در خانواده در سطح معنی داری ده درصد مورد تایید واقع می شود.

فرضیه ۲) بین سطح سواد زنان و تعداد بچه هایی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند، رابطه منفی وجود دارد.

سطح باروری زنان دارای سواد ابتدایی در مدل رگرسیونی مربوط به تمام زنان واقع در گروه سنی بالای ۳۵ سال نسبت به سطح باروری زنان بی سواد در همین گروه سنی معنی دار شده است. به این ترتیب فرض $H1$ مبنی بر وجود رابطه بین سطح سواد زنان و میزان باروری در سطح ۰/۰۵ به اثبات می رسد و فرض $H0$ رد می گردد. لازم به ذکر است که وجود رابطه بین سطح سواد زن و باروری در مدل رگرسیونی به روش قدم به قدم به اثبات رسیده است.

فرضیه ۳) بین میزان سواد شوهران و تعداد بچه هایی که در سنین باروری به دنیا می آیند، رابطه منفی وجود دارد. با توجه به معنی دار شده بین سطح سواد مرد و تعداد

بچه های به دنیا آمده در خانواده در مدل های مربوط به تمام زنان مورد مطالعه و زنان گروه سنی ۲۵ سال به بالا، فرض H_0 رد و فرض وجود رابطه بین سطح سواد مرد و باروری (H_1) در سطح ۰/۰۵ پذیرفته می شود.

فرضیه ۴) نوع شغل زنان بر تعداد بچه هایی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند، تأثیر دارد.

وجود رابطه مثبت بین خانه دار بودن و تعداد بچه های به دنیا آمده، در مدل رگرسیونی مربوط به زنان گروه سنی ۳۵ سال به بالا در روش اینتر در سطح یک درصد به اثبات رسیده است، لذا فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه بین نوع شغل زنان و باروری کل، حداقل برای این گروه از زنان تایید می گردد و فرض H_0 رد می گردد.

فرضیه ۵) بین مرگ و میر کودکان و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه مثبت وجود دارد.

در تمامی مدل های رگرسیونی، وجود رابطه مثبت بین باروری و تعداد بچه های مرده زیر ۵ سال در سطح ۰/۰۱ به اثبات رسیده است. بدین ترتیب فرض H_0 رد و فرض H_1 دال بر وجود رابطه بین این متغیر مستقل و باروری مورد تایید واقع می شود.

فرضیه ۶) بین سن ازدواج زن و شوهر و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه منفی وجود دارد.

سن زن در اولین ازدواج: با توجه به معنی دار شدن رابطه بین سن زن در اولین ازدواج و تعداد بچه های به دنیا آمده توسط وی در مدل های مربوط به تمام زنان و زنان واقع در گروه سنی ۴۹ - ۳۶ سال، فرض H_1 دال بر وجود رابطه بین سن زن در اولین ازدواج و باروری در سطح ۰/۰۵ مورد قبول و فرض H_0 رد می شود.

سن ازدواج مرد: در هیچ یک از مدل های رگرسیونی رابطه بین سن ازدواج مرد و باروری کل معنی دار نشده است، به این ترتیب فرض H_1 رد و فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه بین سن ازدواج مرد و باروری زنان در سطح اطمینان ۱۰ درصد مورد تایید واقع می شود.

فرضیه ۷) بین سن مادران در اولین زایمان و تعداد بچه هایی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند، رابطه منفی وجود دارد. رابطه بین سن زن در اولین زایمان و تعداد بچه

در هیچ یک از مدل های مربوط به روش اینتر در سطوح $0/01$ و $0/05$ معنی دار نشده است ولی در مدل مربوط به تمام زنان این رابطه در سطح $0/1$ معنی دار شده است. در مدل های رگرسیونی به روش قدم به قدم این رابطه برای گروه سنی $49-15$ سال و $35-15$ سال در سطوح مورد قبول معنی دار شده است. به این ترتیب وجود رابطه بین سن زن در اولین زایمان و تعداد بچه به دنیا آمده در سطح اطمینان 90 درصد مورد پذیرش قرار می گیرد و فرض H_0 رد می گردد.

فرضیه ۸) بین میانگین فواصل زایمان به سال و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه منفی وجود دارد.

با توجه به معنی دار شدن رابطه بین این متغیر و متغیر وابسته در مدل های رگرسیونی مربوط به تمام زنان و زنان گروه سنی 25 سال به بالا در سطح $0/01$ ، فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه بین میانگین فاصله زایمان و تعداد بچه های زنده به دنیا آمده، مورد پذیرش واقع می شود و فرض H_0 رد می گردد.

فرضیه ۹) بین سن زنان و تعداد بچه هایی که در سنین باروری آنها به دنیا می آیند، رابطه مثبت وجود دارد.

در تمامی مدل ها رابطه بین سن زن در موقع مطالعه و تعداد بچه به دنیا آمده معنی دار شده است، بدین ترتیب فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه بین سن زن و تعداد بچه های به دنیا آمده در سطح $0/01$ مورد قبول واقع می شود.

فرضیه ۱۰) بین میزان اهمیت کار کودکان $14-6$ ساله در اقتصاد خانواده و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه مثبت وجود دارد.

با توجه به معنی داری رابطه بین اهمیت کودک و تعداد بچه های زنده به دنیا آمده، فرض H_1 در سطح معنی داری $0/01$ ، مورد قبول واقع می شود و فرض H_0 رد می گردد.

فرضیه ۱۱) بین امکان دسترسی به مراکز بهداشتی و تعداد بچه هایی که در سنین باروری زنان به دنیا می آیند، رابطه منفی وجود دارد.

در هیچ یک از مدل های رگرسیونی رابطه بین شاخص های مربوط به این فرضیه (فاصله تا نزدیکترین شهر و مرکز بهداشتی) و متغیر وابسته (تعداد بچه) از نظر آماری معنی دار نشده است، لذا فرض H_0 در این رابطه مورد قبول واقع می شود و فرض H_1

مبنی بر وجود رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل در سطح معنی داری ده درصد رد می گردد.

فرضیه ۱۲) بین میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و تعداد کودکان به دنیا آمده در سنین باروری زنان رابطه منفی وجود دارد.

با توجه به معنی دار شدن رابطه بین سابقه داشتن تلویزیون و تعداد بچه های زنده به دنیا آمده در خانواده، فرض H_1 دال بر وجود رابطه بین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی به خصوص تلویزیون در سطح معنی داری ده درصد مورد قبول واقع می شود و فرض H_0 رد می گردد.

نتیجه گیری

در طی صفحاتی که اینک با سطور زیرین به پایان می آوریم دیدیم که:

۱. سهولت دسترسی به امکانات بهداشتی یکی از متغیرهایی است که تأثیر زیادی در کاهش باروری زنان روستایی دارد. هر چند که نتایج تحلیل رگرسیونی نشان دهنده این است که در هیچ یک از مدل ها شاخص های فاصله تا نزدیکترین مرکز شهری و فاصله تا نزدیکترین مرکز بهداشتی در باروری زنان معنی دار نشده است که علت اصلی عدم معنی داری تأثیر آنها را می توان به نبود تفاوت فاحش بین روستاهای مورد مطالعه از نظر فاصله تا این مراکز ربط داد. در واقع، میانگین فاصله روستاهای مورد مطالعه تا نزدیکترین نقطه شهری ۱۵ کیلومتر و میانگین فاصله تا نزدیکترین مرکز بهداشتی یک کیلومتر می باشد.
۲. سن زن در زمان مطالعه یکی از متغیرهایی است که در تمامی مدل ها به صورت معنی دار و با تأثیر مثبت در باروری ظاهر شده است. شاید این مساله به این دلیل باشد که زنان مسن ویژگی هایی از قبیل کم سواد و در بیشتر موارد بی سواد، عدم استقلال مالی در دوره های گذشته و بافت سنتی جامعه را دارا هستند.
۳. سن زن در اولین ازدواج یکی از متغیرهای مستقلی است که در این مطالعه به عنوان متغیر تأثیرگذار منفی در مدل ها ظاهر شده است به طوری که با زیاد شدن سن ازدواج زن، میزان باروری کاهش یافته است.
۴. سطح سواد مرد و زن به عنوان دو عامل کاهنده نرخ باروری ایفای نقش کرده اند.
۵. سن زن در اولین زایمان یکی از عواملی است که رابطه منفی با باروری در این تحقیق نشان داده است. به طوری که با افزایش سن زن در اولین زایمان میزان باروری کاهش یافته است.
۶. مرگ و میر کودکان زیر یک و پنج سال نیز از جمله متغیرهایی هستند که به عنوان عوامل افزایش دهنده باروری شناخته می شوند. البته در این تحقیق تأثیر مثبت تعداد کودکان مرده زیر ۵ سال در خانواده ها از نظر آماری معنی دار شده است.

۷. وضعیت اشتغال زنان یکی از فاکتورهای مهم و تأثیر گذار در باروری است به طوری که تئوری ارزش زمان در ارتباط با باروری براساس ارزش وقت مادر طراحی شده است این امر نیز در تحقیق حاضر به اثبات رسیده است.
۸. اهمیت کار کودکان ۱۴-۶ ساله برای خانواده ها از نظر اقتصادی و گردش کار، یکی از متغیرهای مستقلی است که در تمامی مدل ها به صورت معنی دار وارد شده است. با توجه به این که درصد بالایی از خانواده های مورد مطالعه از طریق کشاورزی و به خصوص دامداری سنتی امرار معاش می کنند و از طرفی با عنایت به کاربر بودن این مشاغل، اهمیت زیاد کار کودکان از نظر خانواده ها طبیعی به نظر می رسد.
۹. رادیو و تلویزیون دو رسانه فراگیری هستند که از نظر اطلاع رسانی و آگاهی دهی به مردم از ارزش بالایی برخوردار هستند، به خصوص تلویزیون که علاوه بر صدا به صورت دیداری نیز استفاده کنندگان را تحت تأثیر قرار می دهد. مدل های رگرسیونی در این تحقیق نشان دادند که سابقه داشتن تلویزیون با باروری زنان رابطه معکوس دارد. به این معنی که در خانواده هایی که سابقه حضور تلویزیون بیشتر بوده تعداد بچه های به دنیا آمده کمتر می باشد.
۱۰. در هیچیک از مدل ها بین سطح درآمد و تعداد کودک در سطوح ۰/۰۱، ۰/۰۵ و ۰/۱ معنی دار نشده است. اما یافته های این پژوهش نشان می دهند که بین سطح درآمد و تعداد بچه خانواده ها رابطه وجود دارد به طوری که با زیاد شدن درآمد تعداد کودکان خانواده ها هم افزایش یافته است.

پیشنهادها

۱. اهمیت اقتصادی کودکان در خانواده ها یکی از مهمترین عوامل در تعیین میزان باروری است. لذا کاستن از میزان اهمیت اقتصادی کار کودکان برای خانواده ها در مناطق روستایی در کاستن از باروری می توان مفید واقع شود. برای این منظور به چند مورد اشاره می شود:

- نظارت بر حسن اجرای قوانین مربوط به حداقل سطح اجباری تحصیل برای کودکان
- کاستن از وابستگی بیش از حد خانواده های روستایی به منابع درآمدی کشاورزی از طریق توسعه بخش های اقتصادی دیگر (بخش های خدمات و صنعت) و به ویژه رونق بخشیدن به صنایع کوچک روستایی و صنایع فرآوری محصولات کشاورزی با نیاز سنجی و امکان سنجی صحیح و برنامه ریزی درست، می توان نقش کودکان را در خانواده ها از نظر اقتصادی کم رنگ تر کند و از این طریق با کاهش اهمیت اقتصادی کودکان در خانواده ها، در کاستن از نرخ باروری مؤثر واقع شود. متنوع سازی منابع درآمدی در مناطق روستایی علاوه بر کاهش باروری نتایج دیگری را هم می تواند در برداشته باشد که از جمله آن می توان به کاهش آسیب پذیری روستاییان از نظر تأمین درآمد در مواقع وقوع بلایای طبیعی مثل خشکسالی و حتی به کاهش مهاجرت از روستا به شهر اشاره کرد.
- توسعه مشاغل پردرآمد در مناطق روستایی، به طوری که والدین را به سمت داشتن تنها یک شغل اما، مطمئن از نظر تأمین درآمد خانواده، سوق دهد در کاهش باروری مؤثر خواهد بود. زیرا چند گانگی مشاغل و منابع درآمدی برای یک خانواده با توجه به نیاز به نیروی کار بیشتر به ویژه وقتی که مشاغل از نوع کشاورزی باشد، خانواده ها را به داشتن فرزند بیشتر سوق خواهد داد.
- نکته دیگری که در این رابطه می توان عنوان کرد در رابطه با خود مشاغل و منابع درآمدی کشاورزی است. آن این که مدرن سازی و خارج کردن کشاورزی و به خصوص دامداری از حالت سنتی، با کاستن از نقش نیروی

- کار خانواده و به خصوص با کاستن از نقش نیروی کار کودکان در تولید، می تواند در کاستن از باروری مؤثر واقع شود.
- اجرای قوانین مربوط به منع کار اجباری کودکان و نظارت به حسن اجرای آن.
۲. براساس نتایج به دست آمده از تحقیقات انجام گرفته در سال های پیشین و نتایج حاصل از این تحقیق سطح سواد مرد و زن یکی از فاکتورهای مهم در کاهش باروری زنان می باشد. همانطور که قبلاً شرح داده شد شاید این اثر به خاطر نقش ها و کارکردهای مختلف باسوادی در زندگی خصوصی و اجتماعی والدین از یک طرف و تأثیر متقابل این کارکردها از طرف دیگر مربوط باشد. از جمله این کارکردها می توان به مواردی از قبیل درک بهتر و بیشتر از مسائل مختلف، قدرت تحلیل بیشتر، شغل بهتر، توجه به تحصیل و کیفیت فرزندان به جای توجه به کمیت و به مواردی از این قبیل اشاره کرد. لذا توسعه هرچه بیشتر مراکز آموزشی رسمی و غیررسمی در روستاها برای آموزش والدین و به ویژه فراگیر کردن آموزش کودکان و نظارت بر اجرای قانون ثبت نام اجباری کودکان ۶ تا ۱۲ ساله در مدارس ابتدایی می تواند در بلند مدت تأثیر مفیدی در کاهش باروری بگذارد.
۳. مطابق با نتایج به دست آمده، اشتغال زنان در بیرون از خانه در کاهش باروری مؤثر است با توجه به فرصت های پایین اشتغال به کارهای بیرون از خانه و دارای دستمزد برای زنان در مناطق روستایی شهرستان گرمی، پیشنهاد می شود زمینه های مناسب برای اشتغال زنان، متناسب با نیازها، استعداد، شرایط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه فراهم شود.
۴. براساس مطالعات انجام گرفته در سال های قبل و نتایج حاصل نرخ مرگ و میر کودکان به ویژه کودکان زیر ۵ سال تأثیر مثبت در باروری زنان دارد. بنابراین گسترش هرچه بهتر و بیشتر خدمات بهداشتی در مناطق روستایی و به خصوص گسترش دامنه فعالیت های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در رابطه با واکسیناسیون کودکان، نظارت هرچه بهتر بر رشد و تغذیه کودکان روستایی و آموزش مادران و تازه عروس ها در زمینه بهداشت و تغذیه کودکان در روستاها می تواند با کاستن از نرخ مرگ و میر کودکان در کاهش باروری مؤثر واقع شود.

۵. بالابودن سن زن در زمان اولین ازدواج، یکی از فاکتورهای مهم کاهش نرخ باروری کل به شمار می رود. بنابر این پیشنهاد می شود قوانین مربوط به حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران اصلاح و به مراکز ثبت ابلاغ گردد و نظارت کافی بر حسن اجرای آن انجام گیرد، همچنین دادن آگاهی های لازم به عموم مردم در ارتباط با مضرات ازدواج در سنین پایین به ویژه برای دختران، از طریق رسانه های جمعی در این زمینه مفید خواهد بود.
۶. براساس نتایج بدست آمده سن زن در اولین زایمان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در باروری است به طوری که با افزایش سن زنان در اولین زایمان میزان باروری کاهش می یابد. لذا دادن اطلاعات و آگاهی های لازم برای والدین و زن و شوهران جوان از طریق رسانه های جمعی و همچنین شبکه های بهداشتی در ارتباط با مضرات حاملگی و زایمان در سنین پایین برای زنان می تواند در این زمینه نقش مؤثری را ایفا نماید. یکی از کارکردهای بالا بردن سن ازدواج می تواند بالا بردن سن زنان در اولین زایمان هم باشد.
۷. افزایش میانگین فواصل زایمان یکی از عوامل کاهش باروری شناخته شده است. به این ترتیب اقداماتی که به افزایش میانگین فواصل زایمان منجر شوند در کاهش باروری مفید خواهند بود. یکی از مواردی که در این زمینه می توان به آن اشاره کرد تغذیه کودک با شیر مادر می باشد زیرا، تغذیه با شیر مادر باروری بعدی را حداقل تا دو سال، به دلیل عوامل هورمونی، به تأخیر می اندازد لذا دادن اطلاعات لازم در ارتباط با فواید تغذیه کودک با شیرمادر می تواند در این زمینه قلمداد شود. همچنین آشنا کردن بیشتر والدین با کم و کیف تربیت کودکان می تواند در به تاخیر انداختن تولدهای بعدی مؤثر باشد.
۸. با توجه به نقش اطلاع رسانی صحیح در آگاه کردن مردم، پیشنهاد می شود که سازمان های غیردولتی* و مردمی در زمینه مسائل مربوط به رشد جمعیت و باروری در جامعه فعال شود. به ویژه سازمان های حامی محیط زیست و منابع

- طبیعی در آگاه سازی و اطلاع رسانی صحیح در ارتباط با عواقب و پیامدهای رشد بی رویه جمعیت می تواند در کاهش باروری مفید واقع شود.
۹. با توجه به نقش تلویزیون در کاهش باروری و با عنایت به این که بخش اعظم جامعه زنان روستایی از نعمت سواد بی بهره و یا کم بهره اند، لذا نهضت فراگیر در باسواد کردن زنان روستایی در تأثیرگذاری رسانه های ارتباط جمعی نظیر تلویزیون در کاهش باروری مؤثر خواهد بود، زیرا ادراک عمومی آنان در تجزیه و تحلیل پیامدهای فرزند بیشتر و عائله مندی و اثرات منفی آن در توسعه زندگی را افزایش خواهد داد. همچنین با توجه به درصد بالای بی سوادی در بین زنان روستایی تهیه و پخش برنامه های تلویزیونی به زبان محلی می تواند در کاهش باروری نقش مؤثری را بازی کند.
۱۰. پیشنهاد می شود مطالعات بیشتری در ارتباط با عوامل مؤثر بر باروری و به خصوص عوامل تأثیرگذار فرهنگی صورت گیرد و با فرهنگ سازی مناسب، زمینه های مشارکت مردمی در برنامه های تنظیم خانواده فراهم شود.
۱۱. پیشنهاد می شود برای کاستن از اهمیت کودکان به عنوان یک کالای سرمایه ای به خصوص در مناطق روستایی و به ویژه برای کاستن از اهمیت کودکان برای والدین به عنوان تأمین کننده دوران کهولت و سالخوردگی، بیمه سالمندی برای تأمین دوران کهولت روستاییان توسعه یابد.

منابع

۱. تقوی، ن، ۱۳۷۸، جمعیت و تنظیم خانواده نشر جامعه پژوه و نشر دانیال، چاپ سوم، رابش دوم
۲. فدراسیون بین المللی زنان و مامائی و شورای جمعیت نیویورک، ۱۳۶۸ باروری و جمعیت، ترجمه زهرا پورانصاری و علی ناصری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۳. شهبازی، ع، ۱۳۷۷، برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری شهرستان نیاوند، سازمان ثبت احوال کشور، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۳ و ۲۴ صص ۷۷-۵۸.
۴. همان منبع
۵. منبع شماره ۳
۶. منبع شماره ۲
۷. مرواریدی، ب، ۱۳۷۹ پویایی شناسی جمعیت و تعامل های زیست محیطی، ارزش گنجاندن تحلیل خانوار، ترجمه علیرضا خرمایی، وزارت جهاد کشاورزی، فصلنامه روستا و توسعه سال ۴، شماره ۳ و ۴ صص (۱۴۴-۱۰۹)

